



سخنرانی در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد امام عصر (عج) - 11 / اسفند / 1369

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا، این میلاد بزرگ و عید سعید را به همهی مظلومان و ملتهای مستضعف عالم و به همهی کسانی که در زیر فشار ظلم و ستم قلدران جهان، چشم انتظار فرجی هستند، بخصوص به ملت شجاع و عزیز ایران و به شما برادران و خواهران، تبریک عرض می‌کنم.

درباره‌ی برکات این میلاد معظم و حقایقی که در باب وجود اقدس ولی‌عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) هست، من قادر نیستم سخن تازه‌یی بگویم. درک مراتب معنوی و حقایق الهی در باب این قطب اعظم عالم امکان و خلیفه‌ی خدا و مظهر صفات و اسمای الهی، در حد زبان و بیان و قلب و فهمی همچون من قاصر نیست. خود آنها باید درباره‌ی امام زمان سخن بگویند؛ همچنان که خود آنها باید درباره‌ی علی‌بن‌ابی‌طالب (علیه‌الصلاة و السلام) و بقیه‌ی اولیا و اصفیای دین سخن بگویند. ما همین قدر می‌دانیم که وجود مقدس امام زمان، مصداق وعده‌ی الهی است. همین قدر می‌دانیم که این بازمانده‌ی خاندان وحی و رسالت، علم سرافراز خدا در زمین است. "السلام عليك ايها العلم المنسوب و العلم المصوب والغوث و الرحمه الواسعه وعدا غير مكذوب".

او وعده‌ی الهی و مصداق لطف خدا بر انسانیت و بشریت است. او مستوره و نمونه‌یی از اولیا و اصفیا و انبیا و برجسته‌ترین بندگان خداست. او نمایشگر مبلغ فضل الهی بر بنی‌آدم است. اینها چیزهایی است که خود آنان بیان فرمودند. اگر ما بتوانیم در حد فهم قاصر و ناقص خودمان، رشحاتی از این گفته‌ها را درک کنیم و بفهمیم، خیلی برد کرده‌ایم.

من فقط يك جمله در باب انتظار عرض می‌کنم. این که در روایات ما وارد شده است که افضل اعمال امت، انتظار فرج است، یعنی چه؟ مگر انتظار چیست؟ انتظار ظهور حضرت ولی‌الله الاعظم (ارواحنا فداه)، مگر چه مضمون و چه معنایی در بطن خود دارد که این قدر دارای فضیلت است؟ يك معنای انحرافی در باب انتظار بود که خوشبختانه امروز از آن فهم و برداشت غلط، اثر چندانی نیست. کسانی که مغرض و یا نادان بودند، این طور به مردم یاد داده بودند که انتظار، یعنی این که شما از هر عمل مثبت و از هر اقدام و هر مجاهدت و هر اصلاحی دست بکشید و منتظر بمانید، تا صاحب عصر و زمان، خودش بیاید و اوضاع را اصلاح کند و مفاصد را برطرف نماید!

انقلاب، این منطق و معنای غلط و برداشت باطل را، یا کمرنگ کرد و یا از بین برد. پس بحمدالله این معنا، امروز در ذهن جامعه‌ی ما نیست. اما معنای صحیح انتظار، دارای ابعادی است که توجه به این ابعاد، برای کسی که می‌داند در فرهنگ اسلام و شیعه، چه قدر به انتظار اهمیت داده شده، بسیار جالب است.

يك بعد، این است که انتظار به معنای قانع نشدن به وضع موجود است. "انتظار داریم"، یعنی هرچه خیر و عمل خوب انجام دادیم و به وجود آمده، کم و غیرکافی است و منتظریم، تا ظرفیت نیکی عالم پر بشود. يك بعد دیگر از ابعاد انتظار، دلگرمی مؤمنین نسبت به آینده است. انتظار مؤمن، یعنی این که تفکر الهی - این اندیشه‌ی روشنی که وحی بر مردم عرضه کرده است - يك روز سراسر زندگی بشر را فرا خواهد گرفت. يك بعد انتظار این است که منتظر، با شوق و امید حرکت بکند. انتظار، یعنی امید. انتظار، ابعاد گوناگون دیگری هم دارد.

ما ملتی منتظر هستیم؛ ملتی که به امید پیشرفت و موفقیت، اقدام و تلاش و انقلاب کرد و موفق شد. ما امروز برای انتظار، باید باب خصوصی در زندگی خود باز کنیم. حقیقتا ملت ما باید روح انتظار را به تمام معنا در خود زنده کند. "ما منتظریم"، یعنی این امید را داریم که با تلاش و مجاهدت و پیگیری، این دنیایی که به وسیله‌ی دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور و طغیان و ضعیف‌کشی و نکبت حاکمیت ستمگران و قلدران و زورگویان پرشده است، در سایه‌ی تلاش و فعالیت بی‌وقفه‌ی ما، يك روز به جهانی تبدیل خواهد شد که در آن، انسانیت و



ارزشهای انسانی محترم است و ستمگر و زورگو و ظالم و قلدر و متجاوز به حقوق انسانها، فرصت و جایی برای اقدام و انجام خواسته و هوی و هوس خود، پیدا نخواهد کرد. این روشنایی، در دیدگاه ما نسبت به آینده وجود دارد. ما ملت ایران باید به این معنای انتظار، بیش از گذشته تکیه کنیم؛ چون دنیای بشری، به انتظاری که ما داریم، محتاج است. این امیدی که در دل ملت ایران وجود داشت و در سایه‌ی آن توانست این کارهای بزرگ را انجام دهد، ملتهای ضعیف و مظلوم دنیا، امروز به این امید احتیاج دارند؛ آنها هم باید این امید را پیدا کنند. اگر پیدا کردند و نور امید در دل ملتها تابید، کارهای دنیا اصلاح خواهد شد و مشکل ملتهای مظلوم، اگر نگوییم به صورت کامل، به صورت معتناهایی - ولو در طول چند سال - حل خواهد شد. اما اگر این امید، در دلها نتابد و همان طوری که شیطانها خواستند مردم مایوس باشند، ملتها مایوس بمانند، روزبه‌روز وضع بدتر خواهد شد.

حالا به واقعیت مراجعه کنیم، ببینیم امروز در دنیا چه خبر است؛ ببینیم در خاورمیانه چه خبر است؛ ببینیم چه طور یک قدرت قلدر زورگویی مثل آمریکا، با استفاده‌ی از علم و تکنولوژی، به خودش حق می‌دهد که به یک امت - یعنی امت اسلامی - با این وقاحت و بی‌شرمی توهین کند. امروز، وضع دنیا این طوری است.

امریکاییها و همدستانشان در این ماهها، بخصوص در هفته‌های اخیر، با امت اسلام کاری کردند که چنگیز و هلاکو هم نکرده بودند! یعنی این آقای بوش، با ظاهری متمدن و با وضع و چهره‌ی اتوکشیده، اگر چهره‌اش در باطن، از چنگیز و هلاکو و تیمور و دیگر متجاوزان معروف دنیا، زشت‌تر و تیره‌تر نباشد، روشنتر و زیباتر نیست. همان کاری را که آنها می‌کردند، ایشان در ابعاد وسیعتری، انجام داد. حرث و نسل را کشت، ملتی را مورد تحقیر و اهانت قرار داد، کشوری را تبدیل به ویرانه کرد؛ حالا هم در آن جا ایستاده و ابلهانه - نه هوشمندانه؛ ما این را ثابت می‌کنیم - احساس پیروزی می‌کند! مگر این که واقعا احساس پیروزی نکند و تظاهر به این معنا بکند؛ که در آن وقت، یک چهره‌ی منافقانه و ریاکارانه خواهد بود.

باطن قضیه این است که امریکاییها در این جا شکست خوردند و پیروز نشدند؛ اما شما می‌بینید که با کمال وقاحت می‌ایستند و دم از پیروزی می‌زنند و یک عده آدم متملق و حقیر و پست در رأس کشورها هم - که واقعا بزرگترین اهانت به حقوق انسان همین است که این آقایان در رأس کشورها قرار داشته باشند - به آنها تبریک می‌گویند و چیزی که اسمش را پیروزی گذاشته‌اند و در واقع پیروزی نیست، به آنها خوش‌آمد می‌گویند! واقعا چه پیروزی‌یی؟! ابرقدرتی، با کمک چندین کشور دیگر از اقصای شرق آسیا - یعنی ژاپن - تا همه‌ی اروپا و ناتو و تا کشورهای منطقه و تا بقیه‌ی دولتهای ضعیف و حقیر عالم، همه‌ی پولها و دستها و موجودیشان را روی هم گذاشتند، تا به یک دولت حمله کنند و به او فشار بیاورند. حالا که تانکهای او را از بین برده‌اند، روحیه‌اش را - که شکسته هم بود - شکسته‌اند و وارد آن کشور شده‌اند، اسم این را پیروزی می‌گذارند! آیا این، پیروزی است؟! این پیروزی است که همه‌ی دنیا جمع بشوند و ارتشهای مقتدر و پرمدعای عالم، شش ماه وقتشان را صرف کنند، خودشان را آماده و تروخشک نمایند، میلیاردها دلار خرج کنند و تمام امکانات را به کار بگیرند، تا یک ارتش را شکست بدهند؟! اگر درست نگاه کنند، این کار از لحاظ اعتبار نظامی هم شکست است.

پیروزی، آن وقتی بود که آمریکا به عنوان یک کشور می‌آمد، با یک کشور دیگر روبه‌رو می‌شد و او را شکست می‌داد؛ نه این جنجال لشکرکشی همه‌ی عالم. طرحهای عظیمی مثل جنگ ستارگان را - که دنیا تصور می‌کرد مربوط به زمانی است که همه‌ی دنیا بخواد به هم بریزد - در جنگ علیه ارتش خسته و بی‌روحیه‌ی عراق به کار بردند! آیا اسم این، پیروزی است؟! این، حتی از لحاظ آبرو و اعتبار و حیثیت نظامی، پیروزی نیست؛ بلکه شکست است. و اما از لحاظ سیاسی هم شکست بزرگی است. امروز تمام توده‌های مسلمان، سرتاپا از آمریکا متنفر و نسبت به او خشمگینند. رئیس‌جمهور آمریکا بداند که امروز در میان کشورهای اسلامی، بخصوص در کشورهای مسلمان منطقه‌ی خلیج فارس و خاورمیانه، هیچ انسانی از رئیس‌جمهور آمریکا منفرتر نیست. امروز تمام ملتها، از اینها



متنفرند. آیا این، پیروزی است؟! این بی‌عقلها، با هزاران تبلیغ دروغ، میلیاردها دلار خرج کردند که خودشان را در دل ملت‌ها جا کنند؛ اما خودشان را از چشم ملت‌ها - نه فقط ملت عراق؛ بلکه ملت‌های خاورمیانه، ملت‌های مسلمان و ملت‌های عرب - انداختند. امروز، همه از اینها بشدت نفرت دارند و نسبت به آنها خشم‌گینند.

خیال می‌کنید آمریکا به این زودیها خواهد توانست نقش شیطانی خودش را از این ذهن‌ها پاک بکند؟ همان احساس بغضی را که شما ملت ایران بحق نسبت به آمریکا داشتید و شعار "مرگ بر آمریکا" در این دوازده سال از زبان شما نیفتاده است، همین احساس بغض را امروز ملت‌های عرب و مسلمان نسبت به آمریکا دارند. اینها به خیال خودشان خواستند ملت‌ها را با تجربه‌ی سختی مواجه کنند؛ ولی نتوانستند و عکس آن شد. این جاست که امید، ملت‌ها را زنده خواهد کرد.

در مورد مسأله‌ی عراق، غربیها و بخصوص در رأس آنها شیطان بزرگ، بدترین روش و منفورترین حرکات را انجام دادند؛ ولی به زبان نمی‌آید. همین قدر بدانند که در تاریخ، از اینها به عنوان قسیت‌ترین، جلادترین، بی‌رحمترین و متجاوزترین چهره‌های این زمان یاد خواهد شد. اما این حرف، به معنای حمایت از صدام - که حکومت او بر عراق، این همه برای مردم آن کشور، شئامت و بدبختی داشت - تلقی نشود. او هم از آنها بهتر نیست؛ اگر از آنها زشت‌تر نباشد.

او کسی است که برای ملت عراق، از اول حکومت خود، این همه بدبختی ایجاد کرد. او ملت عراق را دچار جنگ هشت‌ساله‌ی با ایران کرد. او ملت عراق را دچار بمباران‌ها و موشکباران‌های وحشیانه و قساوت‌آمیز آمریکا و انگلیس و فرانسه و دیگران کرد. او موجب شد که ثروت ملت عراق، دود بشود و از بین برود؛ که امروز متأسفانه شد. شاید دهها سال دیگر لازم باشد که ملت عراق زحمت بکشد، تا خودش را به آن روز اول برساند. او موجب شد که مردم عراق - از نظامی و غیرنظامی - این همه کشته بشوند. او بلایی برای مردم عراق بود و هست.

زشت باد چهره‌ی حاکم و رئیس‌ی که ملاحظه‌ی هوای نفس و جاه‌طلبی خود را بکند، ولی ملاحظه‌ی مردم و ملت‌ها و اراده و خواست آنها را نکند. متأسفانه در منطقه‌ی ما، از این‌طور چهره‌ها و این‌گونه شیطان‌ها کم نیست. اینها لایق ریاست بر یک دسته آدم هم نیستند؛ چه رسد به یک ملت. بر یک ملت، این‌طور جفا و ظلم می‌کنند.

ما از ملت عراق حمایت می‌کنیم. ما که حرف می‌زنیم، راجع به ملت عراق دلسوزی می‌کنیم. ما که کار آمریکا و همدستانش را زشت می‌شماریم، راجع به تجاوز به یک کشور سخن می‌گوییم؛ نه راجع به این افرادی که حضور و وجود امثال آنها در میان هر ملتی، مایه‌ی نکبت بود و هست. مردم خودشان را با دروغ و ریا سرگرم کردند و از این ملت بیچاره و مظلوم عراق، این‌طور تلفات گرفتند.

امروز دولت ظالمی مثل آمریکا، با این که ثروتش زیاد، تجهیزانش مدرن، و تکنولوژی و علم و امکاناتش هم فراوان است؛ اما همین ظالم و شیطان متجاوزی که ملت‌های دنیا را قدرتمندانه تحقیر می‌کند، براحتی قابل سرکوب شدن در منطقه‌ی اسلامی ماست؛ به شرط این که ملت‌های مسلمان، به آینده‌ی خود امید داشته باشند و با دلگرمی و امید، اقدام و قیام و حرکت کنند. خوشبختانه ملت‌ها خیلی بیدار شده‌اند؛ اما فقط بیدار شدن کافی نیست. بعد از بیداری، باید حرکت کنند و این حرکت، به امیدواری احتیاج دارد.

البته همه‌ی همت قدرتهای مسلط عالم این است که وانمود کنند شکست‌ناپذیرند؛ و آمریکا این تلاش را خیلی کرده که نشان بدهد شکست‌ناپذیر است. حالا هم که قضیه‌ی عراق پیش آمد، از روی عجب ابلهانه و خودبینی

ناشی از بلاهت، این ادعا را بیشتر خواهد کرد. یک عده هم افراد ساده‌دل باور خواهند کرد؛ اما حقیقت این نیست.

اگر رژیم عراق متکی به ملت خود بود و اگر سرباز عراقی در کویت، احساس متجاوز بودن و ناحق بودن نمی‌کرد، آمریکا قادر نبود که ملت عراق را شکست بدهد، یا حتی سرباز عراقی را به عقب براند.

بله، وقتی که یک ارتش به ملت خود متکی نباشد و به رژیم ظالمی مثل رژیم صدام متکی باشد، مردم، طرف جنگ



و پشتیبان جنگاوران و رزمندگان نیستند. مردم در خانه‌هایشان دعا می‌کنند که قائله زودتر تمام بشود؛ یا به نفع این طرف و یا به نفع آن طرف. معلوم است که این‌طور ارتشی، از آمریکا یا هر کس دیگر، شکست خواهد خورد. اگر ملتها در مقابل آمریکا بایستند، آمریکا نخواهد توانست هیچ غلطي بکند. تا امروز آمریکا در این منطقه، ظلم و غصب و آدمکشی کرده، ویرانی به بار آورده و ملتها را جریحه‌دار کرده است، که یقیناً انتقام اینها را پس خواهد داد. این زرمه‌هایی هم که امروز سران رژیم آمریکا راجع به امنیت منطقه می‌کنند، باید بدانند که ملتهای منطقه، این حرفها را به هیچ‌وجه جدی نخواهند گرفت و به آن اعتنایی نخواهند کرد.

شما چه کسی هستید که از آن طرف دنیا بیايید، برای منطقه‌ی خلیج فارس تعیین تکلیف کنید؟! منطقه‌ی خلیج فارس، متعلق به ملتهای همین منطقه است. آمریکا حق ندارد هیچ‌گونه دخالتی در امنیت این منطقه و سیستم امنیتی آن داشته باشد. اگر کسی بخواهد برای بلندمدت، پای آمریکا را به این منطقه بکشد و دستش را برای دخالت و تصرف باز بگذارد، بداند که ملتها با او روبه‌رو خواهند شد و به دهن این‌طور حکامی خواهند زد. مبادا دولتهای این منطقه، این اشتباه بزرگ را مرتکب بشوند که با این حرفها و درخواستهای آمریکا، دایر بر ماندن مدتی در عراق یا در منطقه، موافقت کنند. ملتها در مقابل چنین کسی خواهند ایستاد و مبارزه‌ی با او را واجب و لازم خواهند شمرد.

امریکا هیچ حقی ندارد که در منطقه بماند، یا در امور منطقه دخالت بکند. آمریکا يك متجاوز است؛ باید هرچه زودتر از منطقه خارج بشود و برود و بداند که تاوان آنچه را که انجام داده، خواهد داد و منفور و مبعوض ملتهای این منطقه است و بیشتر هم خواهد شد. عمده این است که ملتها ایمانشان را قوی کنند و دلها را با خدا مرتبط نمایند.

شما ملت بزرگ و شجاع و مبارز - که بحمدالله ابرقدرتها و دشمنانتان، از شما می‌ترسند و هنوز هم می‌ترسند و باید هم بترسند - به برکت ایمان به خدا، چنین قدرت و صلابتی پیدا کرده‌اید. این ایمان را تقویت کنید، اتحادتان را تقویت نمایید و به هیچ قیمتی زیر بار دشمن خدا نروید. اسلام، عزیز و عزتبخش است. آن کسی که با اسلام آشنا شد، عزت متعلق به اوست. آن کسانی هم که ذلیل شدند، به خاطر این بود که از اسلام گسستند. خودتان اسلام را حفظ کنید، ایمانتان را تقویت نمایید، پاس ارزشهای اسلامی را بدارید و ملتهای دیگر را هم وادار کنید که با اسلام آشتی کنند و به سمت اسلام برگردند. در این صورت، دست همهی قدرتهای شیطان‌صفت، از سر آنها کوتاه خواهد شد.

امیدواریم که خداوند به برکت این روز مبارک و مقدس، به همهی مسلمانان و مستضعفان و به شما ملت عزیز، عیدی عنایت فرماید. ما را مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی ولی‌عصر (ارواحنا فداه) قرار بدهد. قلب مقدس آن حضرت را از ما شاد کند و ما را از اعوان و انصار آن بزرگوار قرار دهد.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته